

شیوه‌های انگیزش دانش‌آموزان پیش از شروع درس

هر جلسه درس تا شروع جلسه بعدی در انتظار دیدنش بودیم که ببینیم با چه تازگی و نوآوری جدیدی به کلاس می‌آید، اما حیف که این معلم پر شور و شوق یک ماهی بیشتر به کلاس ما نیامد و به جای او از معلمی بهره بردیم که بر عکس، نه به سر و وضع خود می‌رسید و نه به درس دانش‌آموزان کاری داشت. از همان لحظه ورود، به نوشتن گرامر مشغول می‌شدیم یا دو صفحه‌ای از کتاب «ریدر» می‌خواند تا ما هم بخوانیم و زبان انگلیسی یاد بگیریم.

معلم معارف: وقتی به کلاس می‌آمد، کار را با سلام‌علیکم شروع می‌کرد. بعد نظری را از خود یا دیگری اعلام می‌کرد که با نظر جمعی از حاضران تفاوت داشت. این کار سبب می‌شد، دست‌ها به سرعت بالا برود و هم‌کلاسی‌ها نظر معلم را نقد کنند یا رد کنند. کلاس به حرکت درآید و اظهار نظرهای موافق و مخالف اعلام شود. سرانجام استاد از مجموع نظرات گفته شده استفاده می‌کرد و آنچه را از تدریس در آن ساعت مدنظر داشت، نتیجه می‌گرفت.

معلم انشا گفته بود، که هر دانش‌آموزی که یک قطعه زیبا یا یک پیام مؤثر در سه چهار سطر از خود یا دیگری بنویسد و هنگام ورود در کلاس به من بدهد و بخوانم، به طوری که جلب توجه کند، نمره انشای او را زیاد می‌کنم. او به این ترتیب، بسیاری از دانش‌آموزان را به کتاب خواندن تشویق و کتابخوان کرد.

معلم زبان جوانی بود خوش‌قد و بالا با چهره‌ای باز و خندان. هر بار که به کلاس می‌آمد، طراوت و تازگی از صورت و سیرت و کفش و لباس او کاملاً نمایان بود. آراستگی و ادبش چنان جلب توجه می‌کرد که در ورود به کلاس همه به تماشای او مشغول می‌شدند و منتظر آن بودند که دهان باز کند و «روز به خیر» گوید و دانش‌آموزان را به خواندن، نوشتن، پرسیدن، پاسخ‌گفتن و دیگر فعالیت‌های یادگیری برانگیزد:

او خود تحرک زیادی در کلاس نداشت، لیکن سخنش شامل جمله‌هایی کوتاه، پرنفوذ، رسا و تفکربرانگیز بود. هرگز در کلاس او خستگی احساس نمی‌کردیم و پایان

معلم ادب و اخلاق: شادروان محمدعلی پزشکی‌پور استاد علم و اخلاق بود. همیشه در دفتری که همراهش داشت، دعاها و نکته‌های جالب و برانگیزاننده‌ای داشت. اغلب در شروع هر جلسه‌ای که جمعیتی از معلمان حضور داشتند، متن زیر را می‌خواند:

«خدایا ما را از آرامش ملکوتی خود بهره‌مند ساز و به ما قدرتی بخش تا به دشمن خود عشق بورزیم و در برابر زخم زبان گذشت نشان دهیم. هنگام شک و تردید ایمان را به یاری گیریم و وقت نومیدی امیدوار باشیم. در برابر تاریکی، روشنایی و در برابر اندوه شاد باشیم. خدایا ما را یاری کن تا پیوسته به یاری دیگران بشتابیم، نه آنکه منتظر باشیم دیگران ما را یاری کنند.»

و بعد می‌گفت: «بباید به جای آنکه توقع داشته باشیم مردم ما را دوست بدارند، ما آن‌ها را دوست داشته باشیم و بدانیم که محبت زاینده محبت است و گذشت نتیجه گذشت و زندگی جاویدان فقط فانی شدن به خاطر دیگران است.»

